



رضا آل محمد

# پیرامون مفهوم درام

بیان کلمهٔ درام یا به تعبیری نمایش که اکنون گاه گاه بجای آن استفاده می شود چند سالی است که در زبان فارسی داخل شده. و در محافل هنری و مجلات و انتشارات بکار رفته است، از آنجا که کلمه درام در زبانهای اروپائی چندین معنی دارد ولی در زبان فارسی حتی گاهی با تعبیری که بیان شد نیز فاصله پیدا می کند بهتر است تا نسبت به طرح معانی و مفاهیم این کلمه پرداخته شود تا پس از بیان مفاهیم آن کلمه نمایش در زبان فارسی با همان ویژگی جایگزین کلمه درام گردد، باید توجه داشت که قصد آن نیست که با بیان معنی یا طرح مفهومی از کلمه ای اروپائی به ترجمه یا جایگزینی کلمه ای بجای آن فقط اشاره ای بشود بلکه نیت آنست که روشنگر مفاهیمی از کلماتی باشیم که طرح آنها در فرهنگ ما به نوعی موجود بوده و نیز در بسیاری از موارد غنی می باشد. اینک با توجه به نیتی که پیرامون بیان معنی و مفهوم کلمه درام داشته ایم به تعریف آن می پردازیم و سعی خواهیم کرد پس از روشن نمودن مفاهیم آن اشاره ای به مبنای هنرهای نمایشی در کشورمان داشته باشیم.

درام در اصل کلمه ایست یونانی که به معنای کنش یا حرکت می باشد، حرکتی تقلیدی که برای تقلید یا بازنمایی رفتار بشر بکار می رود، در کشورهای اروپا درام را از زبان یونان قدیم اقتباس کرده و با همان مفهوم بکار می برند، لذا چون درام در زمینه بازنمایی رفتارهای بشری بصورت عرضه نمایش مفهوم دارد شاید نزدیکترین تعبیری که در زبان فارسی برای آن می توان انتخاب کرد، کردار یا به فعل آوردن وقایع داستانی است که به نمایش درمی آید، مثلاً اگر داستانی را گوینده ای نقل کند او را داستانسر یا نقال می گوئیم، اما اگر همان داستان را با حرکات سر و دست در جلو چشم بیننده مجسم نماید درام یا نمایش بوجود آمده است، بنابراین عنصری که نمایش را نمایش می سازد عبارت است از حرکت یا عملکردی که اندیشه و مفهوم مورد نظر پدید آورنده و اثر را تحقق کامل می بخشد، زیرا نمایش توسط بازیگر به

کممک جامه و آرایش بر روی صحنه ای بنام تئاتر تجسم می یابد و مفاهیم داستان را به تماشاگر منتقل می سازد، بنابراین تماشاگر به جای آنکه شرح و وصف جریانی را بخواند یا از زبان کسی بشنود خود در موقعیت بازیگران روی صحنه قرار می گیرد و مورد خطاب واقع می شود پس تماشاگر در نمایش وارد معرکه شده و مستقیماً با رویدادها روبرو می شود، این ویژگی نمایش آن را ملموس ترین و عینی ترین شکل بازآفرینی موقعیتها و روابط انسانی می سازد، این خصوصیت نمایش است که آنرا از روایتی که اتفاق افتاده و خاتمه یافته جدا می سازد و به آنچه که هم اکنون جریان دارد نزدیک می سازد و بی واسطگی نمایش است که تماشاگر را می دارد تا به تفسیر رویدادهای مقابل خود بپردازد و با لحن دوستانه یا خصمانه و یا طعنه آمیز شخصیتهای نمایش مواجه گردد. نمایش به مناسبت دارا بودن خصوصیتی مانند ظرافت در شیوه بیان و نیز استفاده از کمترین فرصتهای زمانی از همه چیز انسان را به حقیقت نزدیکتر می نماید و بهمین دلیل است که عده ای از نقادان و هنرشنجان تمام حرکات و اعمالی را که در صحنه انجام می گیرد با توجه به ارزشهای محتوایی شامل درام دانسته و معتقدند که درام تجسم وقایع داستانها نیست بلکه خود واقعه است.

از سده هجده به بعد یعنی از زمانیکه نویسندگان فرانسه از جمله دیدرو و بومارشه و دیگران راجع به هنر نمایش مقالات و رسالاتی انتشار داده اند کلمه درام مفهوم جدیدی پیدا کرد. نویسندگان مزبور تمام نمایشها یا نمایشنامه های رئالیستیک را که به مسائل و جریانات زندگی عادی مردم ارتباط داشت و جنبه احساساتی آنها قوی و از جلال و عظمت تراژدی عاری بود درام نامیدند ولی با وجود معانی مختلفی که ذکر شد کلمه درام بطور کلی به تمام اقداماتی که برای تجسم یک نمایشنامه، توسط هنرپیشه روی صحنه و در جلو جمعیت به عمل می آید اطلاق می گردد، اگر اقدامات مزبور جنبه مذهبی داشته باشد یعنی اعمالی که صورت می گیرد جزء مناسک دینی باشد آنها را درام مذهبی می نامیم و اگر جنبه هنری پیدا کند یا برای تفریح و سرگرمی باشد عناوین دیگر خواهد یافت، آنچه تذکرش در اینجا ضروری می باشد اینست که تماشاگر از جمله عواملی است که وجودش برای ایجاد یک درام حتماً لازم است، شعر و داستان را میتوان در گوشه ای نشست و به تنهایی خواند و از آن لذت برد و ذهن شاعر و داستان نویس هنگام تنظیم شعری داستان به این نکته آگاه است ولی درام نویس باید هنگام نوشتن نمایشنامه وجود تماشاگر را در آئینه خیال خود به بیند.

درام ابتدا در سه هزار سال پیش در یونان قدیم از صورت تشریفات و مناسک مذهبی درآمد و کیفیتی دیگر بخود گرفت، دامنه نفوذ و اهمیتی که درام در خود داشت باعث گردید حکما و دانشمندان بزرگ اسلامی ضمن مطالعه و ترجمه آثار فیلسوفان یونان به کلمات درام و تراژدی و کمدی اشاراتی بدارند که از جمله حکمای بزرگ ایران که این اصطلاح را به عینه در آثار خود بکار برده اند ابن سینا است که در کتاب شفا ضمن توضیح انواع شعر این کلمه را به صورت «دراماطا» ذکر کرده و در باره آن مختصر توضیحی می دهد، ابن رشد حکیم بزرگ اسلام در اسپانیا کتاب معروف «نقد الشعر» (فن شعر) ارسطو را به طور خلاصه ترجمه و افکار و عقاید خود را نیز بر آن اضافه کرد. دانشمندان دیگر نیز هر کدام که با فلسفه یونان قدیم سروکار داشته اند راجع به درام و انواع آن اظهار نظر کرده اند ولی این هنر در کشورهای اسلامی تا موقع ظهور تعزیه در ایران چندان رونق و رواجی نیافت.

تاریخ تئاتر یونان بویژه بررسی تاریخ ادبیات دراماتیک آن سرزمین نشان می دهد که اندیشه وسعت بخشیدن به درام و استفاده از شیوه های آن به منظور طرح مهمترین مسائل از جامعه بوده که با فکر و احساس بشر سروکار داشته است بنابر چنین ویژگی و خصوصیتهایی بارز که درام و انواع آن دارند آنرا باید کاملترین وسیله برای بیان فکر و احساس بشر دانست. و برخلاف اعتقاد آنانی که خیال می کنند درام فقط محصول ذوق و نتیجه تقلید جنبه های ظاهری زندگی است دارای قدرت بسیار در جهت تهذیب اخلاق و بررسی خصوصیتهای درونی بشر می باشد، و چنانچه زندگی مردم هر نقطه

از جهان را در هر دوره‌ای از ادوار مختلف تاریخ زندگی بشر مطالعه کنیم می‌بینیم رازهای درون و اسرار نهفته زندگی است که بصورت درام درآمده و به شیوه‌های گوناگون آن عرضه گردیده است.

در کشورمان بهترین نمونه و بالاترین مفهوم و احساس درام رامیتوان در وقایع و جریانات عمیق و پربار انقلاب اسلامی مردم ایران یافت، همانطور که در یونان عمیق‌ترین احساسات مذهبی بصورت درام درآمده است.

بطور کلی با توجه به تأکیدی که تئاتر به عمل و احساسات و افکار عالیه بشری دارد نه تنها وسیله وقت گذرانی بیهوده‌ای نیست بلکه تمامی فعالیتها و کوششهای آن در جهت بالا بردن ارزشهای انسانی و تکامل آنها می‌باشد بهمین لحاظ امروز علمای تعلیم و تربیت اهمیت زیادی به آن می‌دهند.

متأسفانه در کشور ما تئاتر سابقه‌ای طولانی ندارد و عمر آن حتی به دو یست سال هم نمی‌رسد و آنچه وجود داشته مرتباً دستخوش تهاجم فرهنگ غرب و شرق قرار گرفته و نتوانسته است در جهتی که اندیشه مردم در آن سیر می‌کند همگام باشد، میدانیم برای مطالعه آثار دراماتیک هر دوره از ادوار تاریخ بشر باید شرایطی را که تحت آن درام بوجود آمده بررسی کنیم، بنابراین اگر قصد داشته باشیم که شرایط بوجود آمدن آثار دراماتیک سرزمینمان را مطرح سازیم به نتایجی خواهیم رسید که این هجوم در بسیاری از مواقع متوجه ارائه ارزشها و مفاهیم محتوایی بوده است که در تئاتر برای روشن ساختن اذهان جامعه مطرح می‌شد و یا به شکل دیگر برای سرگرم کردن و فراموش ساختن اوضاع و احوال پیرامون آنها به کار می‌رفت. اینک با توجه به روحیه و احساس هر ملت که عامل مؤثر و سازنده آثار نمایشی هستند باید گفت که وظیفه حکم می‌کند تا جستجوگر بوده و اندیشه‌های اصیل و پر از رسالت این هنر را چنانچه در گوشه‌هایی از تاریخ داشته‌ایم بیابیم و با احیای آنها و استفاده مطلوب از شیوه ارائه آنها در جهت انتقال مفاهیم اسلامی بکار بندیم.

همانطور که مطالعه تئاتر چند هزار ساله اروپا نشان می‌دهد ترویج نمایش مذهبی قرون وسطی از کلیسا که عامل مؤثر و مفیدی بود بوجود آمد و پس از اینکه شکل گرفت از مذهب فاصله پیدا کرد و نمایش آن از کلیسا به خارج از آن انتقال یافت.

در ایران نیز نمایش مذهبی که با زیربنایی از اعتقادات مذهبی و فرهنگی مردم بوجود آمد باعث شد تا در طرح و ارائه زمینه‌هایی از بیان احساسات مردم نسبت به اعتقاداتشان حرکتی نمایشی بوجود آید و قابل توجه است که چون زیربنای اعتقادی مردم ایران نسبت به آئین مقدس اسلام استوار بود بهمان اندازه که تئاتر اروپا از مذهب فاصله گرفت و به شکلی درآمد که دیگر تئاتر یا درام مذهبی نام نداشت بهمان اندازه فعالیت‌های نمایشی در ایران نسبت به یافتن رابطه‌ای بین نمایش مذهبی و تئاتر جدید دوری گزید و در تحقیق و مطالعات شعرا و ادیبان ایران زمین انگیزه‌ای به منظور کشف جریاناتی که بتوانند آثار خویش را در مسیر درام و هنرهای نمایشی قرار دهند موجبی پیش نیامد، بطوریکه در قرن هجده که توجه شعرا و فلاسفه اروپا برای یافتن افکار نو و گرفتن الهام تازه به طرف شرق معطوف شد، مکتوب Goethe که محور زیبایی و قدرت تصور و عمق تخیلات شاعرانه حافظ واقع شده بود در اواخر قرن نوزده در کتاب دیوان شرق خود اظهار تعجب می‌کند که در ادبیات پر دامنه فارسی هنر درام و ادبیات نمایشی دیده نمی‌شود و می‌گوید که اگر یک شاعر دراماتیک در ایران ظهور کرده بود مسلماً در کیفیت و حالت ادبیات فارسی تأثیری شایان پیدا می‌شد بدیهی است که مقصود گوته ادبیات فارسی بعد از اسلام است، گوته برای اثبات نظریه خود می‌گوید که ایرانیان عموماً مردمانی ساکت و کم حرفند، داستانسراشی و قصه‌پردازی را دوست دارند و بهمین دلیل است که مقادیر زیادی داستان در ادبیات فارسی میتوان یافت و دلیل این مساله را هم روش حکومت استبدادی شاهان ایران می‌دانست و اضافه می‌کند که طرز حکومت استبدادی آنها با بحث و مجادله در خور و سازگار نیست و هرگاه کسی نظر مخالفی با وضع حکومت خود داشته باشد به

ذکر آیه‌ای از قرآن کریم و یا خواندن چند بیت از اشعار بزرگان می‌پردازد، گوته در مورد اینکه مردم ایران نیز مانند سایر ملل جهان به هنر درام تمایل و علاقه دارند و آثاری در ادبیات فارسی وجود دارد که این زمینه را داشته باشد ذکر می‌کند و می‌گوید مکالمه و تقلید دورکن عمده از ارکان فنون دراماتیک هستند که در آثار شعرای ایران فراوان دیده می‌شود و از جمله کتاب منطق الطیر شیخ عطار را بعنوان مثال نام می‌برد.

در سال ۱۸۷۸ میلادی الکساندر «شودزکو» در کتابی بنام تئاتر ایران و منتخبی از تعزیه یا درام نوشت همانطور که یونان قدیم دارای درام مخصوصی است ایران نیز تئاتر مخصوصی دارد و وجوه مشترکی برای این دو تئاتر ذکر کرد، وی معتقد است که هر دو تئاتر محصول ذوق و ابتکارات این دو قوم هستند که ریشه مذهبی و دینی دارد. بهرحال پیدایش تعزیه یا بیان تاریخچه پیدایش آن در این مطلب کوتاه ضرورتی ندارد ولی باید گفت تعزیه یا درام مذهبی ایران با تعریفی که از درام آمد مجموعاً فرآیند تجربه‌هایی است که از ذهن جامعه ریشه گرفته و در نتیجه محتوای مذهبی که دارد با پشتوانه عقیدتی جامعه در طی تاریخ از طریق شرکت جمعی و همیارشدن افراد در عمل به آن حیات بخشیده است، نمایش مذهبی بویژه تعزیه بعزت برانگیختن روحیه مردم و مبارزه علیه ظلم نتوانست هیچگاه مورد عنایت حکومتها قرار گیرد از اینرو برخلاف نمایشهای مذهبی اروپا به آن کمتر توجه شد و تحقیق و مطالعه پیرامون آن بسیار کم صورت گرفت ولی همانطور که از نظر گذشت نمایش مذهبی در ایران یا تعزیه هیچگاه رابطه‌اش را با مذهب قطع نکرد و تاروژی که از رونق افتاد و اجرای آن ممنوع گشت در محیط مذهب باقی ماند و از زمانی که تئاتر در ایران به اصرار حکام و سرانی که مایل به ارائه شیوه‌های اروپائی در ایران بودند هیچگاه نتوانست روشی بیاید که مقبول مردم واقع شود و در تاریخ دو بیست ساله خود به علت سیر پراکنده راهها و روشها نتوانست با ریشه‌های اصیل نمایش مذهبی ارتباطی جدی و اصولی برقرار سازد، تا بلکه بدین طریق نسبت به جذب مردم نتیجه‌ای مطلوب بدست آورد.

بنابراین حرکت هنرمندان بیگانه با مردم و نمایش آثار سفارشی و دور از واقع و یا ترجمه صرف و بدون تحلیل آثار دیگران باعث گردید که الفت و انسی میان مردم با هنرهای نمایشی بوجود نیاید لذا تئاتر با تمام محاسنی که در ماهیت خود طی قرون و اعصار نشان داده است در ایران نتوانست جایی برای خود میان مردم بیابد و بی‌لطفی کسانی که نام خود را هنرمند تئاتر نهاده بودند در بسیاری از دوره‌ها تاریخ تئاتر را بصورت پست‌ترین سرگرمیها و بعنوان قبیحترین عامل فساد بکار گرفته که این امر بر بی‌اعتنائی مردم مسلمانی که قویترین ریشه‌های اخلاقی و انسانی در مکتبشان موج می‌زند، افزود درحالیکه جملگی بزرگان و ادیبان و حتی روانشناسان تئاتر امناسترین وسیله برای پی بردن به ماهیت وجود آدمی و درک حقایق زندگی و کشف اسرار خلقت دانسته‌اند و سودمندی آنرا برای آموزش و پرورش و تهذیب اخلاق و تکلیف ذوق و تقویت بینش تأکید داشته‌اند. اینک با توجهی که رهبر انقلاب اسلامیان امام بزرگوارمان در تمامی زمینه‌ها بوجود آورده‌اند طرح و برقراری ارزشهای فرهنگ اسلامی در تمام سطوح جهان اجتناب‌ناپذیر شده است و بجاست که رنگ و روی ظواهر نمایشی را از تمامی آلودگیها پاک سازیم و در جهتی که اندیشه پر بار اسلامی اقتضا می‌کند قدم برداریم و با دقت و تعمق در انتخاب سبکها و روشها عملی انجام دهیم تا به مقتضیات فرهنگی خویش لطمه‌ای وارد نسازیم، بنابراین وظیفه حکم می‌کند با علم به آنچه از فرهنگ اسلامیان موج می‌زند قدم برداشته و به پاس آنچه در رگ و خون یکایک امت شهید پرور ایران جریان دارد باستیم و با باروری و پرورش این ارزشها به اثبات ایمان و عقیده خود تکیه نمائیم و با استفاده از شکل و فرم ملموس هنرهای نمایشی در جهت نشان دادن روحیه ایثار هنرمندانی که با شهادت خود زیباترین آثار هنرهای نمایشی را می‌آفرینند همت نمائیم و آنچه را که باید برای سالیان سال بر جای گذاشت زمینه‌سازی کنیم و روح و جان همیشگی بدهیم تا انشاءالله رضای خداوند را فراهم آوریم.